Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 10, No. 2, 2021
Research Paper

A study of the Jacobson communication model in receiving Qur'anic concepts with emphasis on reception of irony: A case study of SURA Zumar

Ali Andalib, Sayyed Heidar Far Shirazi, Mohammad Javad Por Abed, Naser Zare

Ph.D Stusent, department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran
Assosiate Professor, department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran
Assistant Professor, department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran
Assistant Professor, department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Abstract

Studying communication functions in the chapters of the Qur'an could be a good way to achieve the esoteric meanings of this eternal miracle. The more researchers try to study the structure of Qur'anic verses, the more they understand its basic concepts and main purposes. One of the tools for studying the Qur'anic discourse is to find communication functions based on Jacobson's theory. The present study intends to study this chapter from different angles by adapting Jacobson's theory of communication theory and combining it with the ironic technique. Using a descriptive-analytical method, in this study, an attempt is made to explore the communication structure of the sura with the addressee or the recipient to find what communication method could be more effective and what kinds of meanings are emphasized by it. What is certain is that the main orientation in the communication model of the verses of this sura is more towards the subject of worshiping God. However, the persuasive role of the verses in Sura Zumr cannot be ignored because the sender of the message (God) has provided the dimensions of the referential and persuasive role by using literary, metalanguage, and empathy tools.

Keywords: Irony, Jacobson's Communication Model, Quranic concept, Receipt Theory.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

http://dx.doi.org/10.22108/nrgs.2021.124523.1567

دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال دهم، شماره دوم، شماره پیاپی (۲۰) پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸
صص: ۲۰– ۱

مقاله پژوهشی

واکاوی مفاهیم قرآنی براساس مدل ارتباطی یاکوبسون با تأکید بر دریافت آیرونی (نمونهٔ موردی سورهٔ زمر)

علی عندلیب[۱]، سید حیدر فرع‌شیرازی *[۲]، محمدجواد پورعابد [۳]، ناصر زارع [٤]

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
ali_andalib1@yahoo.com
۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
Shiraz.He@yahoo.com
۳- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
Javad406@gmail.com
٤- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
naserezare@gmail.com

چکیده

بررسی کارگفت‌های ارتباطی در سوره‌های قرآن، راهکاری مناسب برای دست‌یابی به مفاهیم ثانویه این معجزهٔ جاوید خواهد بود. هر اندازه پژوهشگران تلاش بیشتری برای بررسی ساختار آیات قرآن داشته باشند، به همان اندازه به درک مفاهیم اساسی و مقاصد اصلی آن پی خواهند برد. یکی از ابزارهای بررسی گفتمان قرآنی، یافتن کارگفت‌های ارتباطی براساس نظریهٔ یاکوبسون است. پژوهش حاضر بر آن است تا با انطباق نظریهٔ ارتباطی یاکوبسون و تلفیق آن با تکنیک آیرونی، آیات سورهٔ زمر را از زوایای مختلف بررسی کند و در روشی توصیفی‌تحلیلی، کاربست مفاهیم بنیادی سورهٔ زمر را به دست آورد و با کشف ساختار ارتباطی سوره با مخاطب یا گیرنده، به این نتیجه دست یابد که مفاهیم تأکیدشدهٔ آن چیست و با کدامین روش ارتباطی توانسته است بر گیرندهٔ پیام‌های سوره اثر بگذارد. به‌طور کل، جهت‌گیری عمده و اساسی در مدل ارتباطی آیات این سوره، بیشتر به سمت موضوع پرستش خداوند است و آیرونی بیم و امید در مفاهیم این سوره، نشان‌دهندهٔ ظهور نقش ترغیبی امیدبخشی و بیان آثار رحمت الهی است؛ هرچند فهم این آیرونی، نیازمند دقت بیشتری است تا بتوان تأثیر آن را در دریافت جنبه‌های مختلف مفاهیم سورهٔ زمر و درک نقش‌های متعدد زبانی دانست. همچنین، نمی‌توان نقش ترغیبی آیات موجود در سورهٔ زمر را نادیده انگاشت؛ زیرا فرستندهٔ پیام (خداوند) با به‌کارگیری ابزارهای ادبی، فرازبانی و همدلی، موجبات روشن‌ترشدن ابعاد نقش ارجاعی و ترغیبی را فراهم آورده است.

واژه‌های کلیدی

آیرونی، مدل ارتباطی یاکوبسون، مفهوم قرآنی، نظریهٔ دریافت

*نویسنده مسئول

۱- طرح مساله

دریافت مفاهیم درونی معارف قرآنی و تفسیر دقیق آیات، مستلزم بهره‌گیری از همهٔ جوانب زبانی و بافت موجود در ساختار آنهاست. آیرونی، یکی از شگردهای بیان مفاهیم قرآن و دریافت آنها، با استفاده از ساختار زبان و روش های مختلف تفسیر، بسیاری از مفاهیم پیچیدهٔ قرآن را برای خواننده مشخص می سازد. در این بین، توجه به کیفیت و کمیت طرح مفاهیم و نوع بیان موجود، راه‌حل مناسبی برای درک لایه‌های مفهومی قرآن است.

این پژوهش درصدد است تا در واکاوی مفاهیم سورهٔ زمر با بهره‌گیری از نظریهٔ مدل ارتباطی یاکوبسون، شبکه های مفهومی و برخی از نمادهای آیرونیک به کاررفته در آیات این سوره را استخراج کند و ضمن معرفی نقش‌های ارتباطی موجود، مفهوم اساسی و بنیادین موجود در ساختار معنایی را بیابد و به فهم و ادراک بیشتر آنها کمک کند. باید دانست مفاهیم جزئی به‌کاررفته در این سوره، به خوشه‌های مفهومی مرتبط و درنهایت به مفهوم کلی سوره، یعنی مفهوم عبادت، ارتباط خواهند داشت.

با علم به وجود ظهر و بطن در آیات قرآن کریم، این سؤال پیوسته مطرح است که برای دست یابی به مقصود الهی که در ژرفای آیات نهفته است، چه باید کرد. در این جستار پژوهشگران با استفاده از دو تکنیک مدل ارتباطی و آیرونی این فرضیه را مطرح می کنند که اساساً دریافت مفاهیم قرآنی جز با فهم کاربست های ارتباطی آنها میسّر نخواهد شد و برای درک کاربرد و منظور آیات می‌باید جنبه‌های ارتباطی آن را به‌درستی شناخت و هر یک از کارکردهای ارتباطی پیام‌های قرآنی را به‌صورت ویژه‌ای واکاوی کرد. همچنین، این فرضیه مطرح است که بیشترین کارکرد ارتباطی به نقش ترغیبی یا همان کارکردی معطوف است که متوجه مخاطب مفاهیم قرآنی است؛ زیرا مخاطب اصلی آیات قرآن، همان بشری است که باید به فهم و تفسیر این مفاهیم بپردازد.

این جستار به این مسئله این‌گونه پاسخ خواهد داد که با توجه به اینکه ارتباط کلامی در قرآن معطوف به ارتباط میان خالق و مخلوق یا سایر کانال های ارتباطی ازجمله ارتباط خالق به مخلوق یا مخلوق به واسط به خالق یا سایر روش‌های ارتباطی است، دست‌یابی به مفاهیم متعدد آیات، با فهم نقش هر یک از عوامل اصلی ارتباط در بیان پیام‌های قرآنی امکان‌پذیر خواهد شد و می توان به مفاهیم اساسی نهفته در لایه های ادبی آیات دست یافت و درک بهتری از آنها به دست آورد. همچنین، دانسته می شود همهٔ نقش های کلامی در کنار هم، مفاهیم ژرف آیات قرآن را جلوه گر خواهند بود و در این میان، نقش عاطفی و ترغیبی آیات، بیشترین تأثیر را در بیان مفاهیم قرآنی خواهند داشت.

پیشینهٔ پژوهش

مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی در رابطه با مدل های ارتباطی و بررسی مفاهیم سورهٔ زمر نگاشته شده‌اند؛ به چند اثر که موضوع مدل ارتباطی یاکوبسون و مفهوم شناسی سورهٔ زمر را بررسی کرده اند، اشاره می‌شود. فاطمه صالحی و احمد ذاکری در مقالهٔ «بررسی مشابهت های علم معانی و نظریهٔ ارتباط یاکوبسون با تکیه بر آیات قرآن کریم» به بررسی نقش ادبی پیام در قالب فنون بلاغی پرداخته اند. این مقاله در شمارهٔ اول دو فصلنامهٔ پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (۱۳۹٤) به چاپ رسیده است. مقالهٔ «تحلیل زبان‌شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایهٔ الگوی ارتباطی یاکوبسون و رده‌بندی

کولماس» نوشتهٔ روح الله یعقوبی و عالیهٔ کرد زعفرانلو که در شمارهٔ ششم فصلنامهٔ پژوهش های ادبی قرآن (۱۳۹۷) به چاپ رسیده است. در این مقاله، فراوانی این مفاهیم با توجه به رویکرد ارتباطی یاکوبسون بررسی شده است.

رحیم احمدی نرگسه و همکاران به بررسی نقش های ترغیبی در قرآن کریم پرداخته و اشکال مختلف کارگفت های ترغیبی را در مقالهٔ «کارگفت های ترغیبی در قرآن کریم» بیان کرده‌اند. این مقاله در فصلنامهٔ پژوهش های ادبی – قرآنی (۱۳۹۷ شماره ٦) به چاپ رسیده است.

این جستار بر آن است که پژوهش حاضر با تلفیق دو موضوع آیرونی و مدل ارتباطی یاکوبسون می تواند یکی از روزآمدترین مقالات موجود در حوزهٔ زبان شناختی قرآن کریم باشد؛ گرچه دایرهٔ مفهومی قرآن کریم به حدّی گسترده است که امکانات زبانی و نظریات مختلف، پیوسته در تلاش برای رمزگشایی از عمق معانی آن‌اند.

۱. مدل ارتباطی یاکوبسون[1]

یاکوبسون برای بررسی ساختار کلام، یک مدل ارتباطی بر مبنای نقش‌های متفاوت ارائه کرده است. این مدل دارای شش عنصر (فرستنده، گیرنده، پیام، کانال ارتباط، رمزگان و سیاق) است که هر یک نقشی را به عهده دارند. در این مدل ارتباطی، فرستنده، کارکردی عاطفی دارد که با آن می تواند احساسات خود را بروز دهد. کارکرد عاطفی را می توان همان اغراض کلام یا معانی ثانویه‌ای دانست که بازخوردی از ساختار عبارات است؛ گرچه گاهی اوقات این اغراض یا معانی، انتقال دهندهٔ احساسات واقعی گوینده نیستند و به عبارتی در این بازه، درگیر رخداد آیرونیک[2] پیام خواهیم بود؛ بنابراین، «کارکرد عاطفی، زبان حال گوینده است، خواه گوینده آن احساس را داشته باشد یا وانمود کند» (آقابابایی و صفوی، ۱۳۹۵ش، ص١٤).

کارکرد ترغیبی مرتبط با نقش گیرنده است؛ گرچه «گاهی دیگران مقصود ما را متوجه نخواهند شد و در برترین حالات به ظاهر آن را می پذیرند» (ناصف، ۱۹۹۵م، ص٢٤١)؛ بنابراین، یکی از مشکلات اساسی ارتباط در بعد ترغیبی دریافت آیرونی، به این مسئله بر می گردد که ممکن است مخاطب در قبول یک اثر با ایجادکنندهٔ آن همسویی نداشته باشد؛ اما این بدین معنا نیست که سایر گیرندگان پیام نیز نمی توانند درک درستی از آن داشته باشند. باید بدین نکته اشاره کرد که هرکس به میزان توانایی ادراک و استعداد فهمش برداشت‌هایی از قرآن دارد؛ به شرط آنکه از دایرهٔ مفهومی اصلی، خارج و به ایجاد تناقض و سوءبرداشت منجر نشود. این کارکرد به جنبه های انشایی کلام و آنچه بتواند جهت گیری پیام را به سمت گیرنده نشان دهد، مرتبط است؛ زیرا باعث خواهد شد گیرنده برای پاسخ به پیام ترغیب شود. در این کارکرد، آیرونی به‌عنوان یک پیام، واکنش گیرنده را بر می انگیزد؛ زیرا اموری که برای ترغیب مخاطب بیان می شوند، گاهی دارای ساختی آیرونیک بوده‌اند که مخاطب چه به‌صورت کلامی و چه به‌صورت مفهومی یا حرکتی به آن واکنش نشان خواهد دارد.

رمزگان یا کدها نمادهایی‌اند که حس مشترک میان گوینده و گیرنده را بر می‌انگیزند. به عبارت دیگر، اگر

[1]. Jacobson communication model

[2], Ironical

میان گوینده و گیرنده، کلمات یا عباراتی به‌صورت مشترک به کار روند یا مفهومی مشترک در فرهنگ دو طرف داشته باشند، مدل ارتباطی یاکوبسون به آن توجه دارد. در مفاهیم قرآنی اصطلاح «یوم الساعه» رمزگانی است که میان گوینده و گیرنده مشترک است و توجه به این رمزگان، نقش فرازبانی ارتباط را بیان می‌کند.

اینکه سخن گوینده دربارهٔ چه چیزی است یا قرار است در چه موضوعی مطرح شود و به گوینده برسد، مطلبی است که کارکرد ارجاعی به آن می‌پردازد. از دیدگاه برخی از نویسندگان، کارکرد ارجاعی صرفاً به بررسی جملات خبری می پردازد؛ زیرا به دنبال یافتن درستی یا نادرستی کلام است؛ اما براساس نظریهٔ افعال گفتاری[1] این کارکرد در عبارات انشایی نیز یافت می‌شود.

در کارکرد ادبی، به کاربرد زبان یا ساختاری که نویسنده به کار می برد تا نقش ترغیبی و ارجاعی گیرنده را برانگیزد، توجه می شود. اهمیت ساختار کلام به‌گونه‌ای است که اگر «خواننده، آن را نداند، افکار موجود در آن را به صورت ناقص دریافت خواهد کرد» (تشیتشرین، ۱۹٦٤: ۲۱)، به عبارت دیگر، کارکرد هنری به نقش تصویری زبان و کلام می‌پردازد که صورت گرایان[2] به آن اشاره دارند. برای فهم بهتر عبارات قرآنی و برقراری ارتباط مناسب تر بایسته است تا گیرنده، ساختارهای زبانی قرآن را به نحو شایسته بفهمد تا به مقاصد و معانی قرآن دست یابد. بدیهی است شناخت معانی قرآن و فهم کلمات آن به دست نخواهد آمد؛ مگر پس از اینکه ساختارهای کلامی قرآن را که دربردارندهٔ مفاهیم و اغراض است، به خوبی شناخته باشیم (ر.ک: انیس، ۱۹۸٤م، ص۱۸٤).

کارکرد همدلی روابطی را بهبود می‌بخشد تا گوینده بتواند به آن وسیله، مقصود خود را به نحو بهتری به گیرنده برساند و آن چنان که از آن مشخص است، گوینده در تلاش است تا با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. آنچه به نام وارونه‌نویسی یا وارونه‌گویی (آیرونی)[3] گفته می شود، رویکردی است برای برقراری نوعی ارتباط با گیرنده، خواه از منظر تمسخر و استهزا باشد یا برای جلب حواس بیشتر گیرنده؛ بنابراین، اگر آیرونی نتواند گیرنده را به شنونده مرتبط کند، به تأکید این نقش در مدل ارتباطی موجود کم‌رنگ و کم‌اثر خواهد بود.

۲. دربارهٔ آیرونی

آیرونی به‌عنوان یک راهبرد زبانی، کاربردها وانواع گوناگونی دارد که گوینده یا گیرندهٔ یک محتوای کلامی به کار می‌برد. گرچه از زمان افلاطون تا دوران کنونی تعاریف متعدد و متفاوتی دربارهٔ آیرونی ارائه شده است، درحقیقت آیرونی، نماد وارونه گویی مفهوم یک سخن یا به بیان میویک «آیرونی؛ یعنی گفتن چیزی برای رساندن معنی مخالفش» (میویک، ۱۳۸۹ش، ص۱۷) تا بدین وسیله بتوان گیرنده را به کندوکاو مفهوم درونی پیام واداشت.

---

[1] اوستین در سال ۱۹۳۰ نظریهٔ افعال گفتاری (**SPEECH ACTS THEORY**) را مطرح کرد. او معتقد است در هنگام ادای جمله‌های اخباری یا انشایی توسط گویندگان افعالی انجام می‌گیرد نظیر اخبار، توصیف، امر، نهی، درخواست، عذرخواهی و وعده؛ این افعال به افعال گفتاری مشهور شده‌اند (مراجعه کنید به "عباسیان چالشتری، محمدعلی، (۱۳۸٤ش)، "نظریهٔ افعال گفتاری و برخی پیامدهای مهم آن، مقالات بررسی‌ها، دفتر ۷۷، فلسفه، صص ۱٦۹-۲۰۰ و همچنین: اوستین، نظریهٔ افعال الکلام العامة، ۱۹۹۱، ترجمه عبدالقادر قنینی، بیروت، افریقیا الشرق).

[2] .Formalists

3. Irony

اینکه بتوان همهٔ اقسام آیرونی را در یک مقوله آورد، چندان امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد؛ زیرا گستردگی مفهوم آیرونی به حدی زیاد است که تا کنون تعریف کامل و جامعی از آن ارائه نشده است. به بیان دیگر، آیرونی فراوانی مفاهیم مختلفی است که اندیشمندان در طول سال‌ها به دست آورده‌اند (ر.ک: عندلیب و فرع شیرازی، ۱۳۹۸ش، صراع المفارقة بین السخریة والمناقضة). با این وصف، به برخی از انواع مختلف آیرونی پرداخته می‌شود.

۲-۱- آیرونی گفتاری[1]:

تقریباً تمام افرادی که توانمندی‌های زبانی داشته باشند، می‌توانند آیرونی گفتاری را به‌کار گیرند؛ زیرا آیرونی گفتاری یا آیرونی کلامی به معنای وارونه نمایی مفهوم یک ساختار زبانی است. در این گونه آیرونی، گوینده معنایی را اراده می کند که به راحتی از ظاهر سخن استنتاج نمی‌شود. به عبارت دیگر، گیرنده چنین مفهومی را از ظاهر کلمات دریافت نمی کند (ر.ک: میویک، ۱۳۸۹ش، ص۸۴-۸۵). بسیاری از فنون بلاغی ازجمله استعاره، کنایه، تعریض، مجاز و برخی دیگر از معانی ثانویهٔ علم معانی از جملهٔ آیرونی گفتاری دانست.

۲-۲- آیرونی موقعیت[2]:

آیرونی موقعیت انعکاس دهندهٔ تضاد میان توقعات و خواسته های فردی با حوادثی است که پیرامون او اتفاق می‌افتد. به بیان دیگر، آیرونی موقعیت «زمانی به کار می‌رود که تضادی بین موقعیت‌های واقعی و آنچه که متناسب است یا بین وضعیتی که اتفاق افتاده و وضعیتی که انتظار می‌رود، رخ می‌دهد» (آقازینالی و آقا حسینی، ۱۳۸۷ش، ص۱۱٤).

۲-۳- آیرونی مفهومی[3]:

آیرونی مفهومی یا آن گونه آیرونی که به دریافت گیرنده ارتباط دارد، به واقع، پیوند میان آیرونی و نظریهٔ دریافت است که در آن گیرنده توانمندی های زبانی خود را به کار می گیرد و به کمک بافت موجود و ساختارهای مختلف کلام، به مفهومی تازه از متن پی می‌برد. آیرونی مفهومی به گیرنده کمک می‌کند تا برای کشف لایه های زیرین سخن، از ساختار و ترکیب کلام، بافت موجود و سیاق آن، عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی و روانی بهره جوید (ر.ک: عندلیب، ۱۳۹۹ش، صص ۱۹۳-۲۳٦).

۳- پیوند آیرونی و مدل ارتباطی

زبان، نیازمند یک جریان پیوستهٔ ارتباطی است تا وظیفهٔ اساسی خود را به سرانجام برساند. این جریان ارتباطی به ناچار نیازمند نیروی دو قطب ضروری برای برقراری جریان است که اولی فرستنده یا گویندهٔ پیام و شخصی است که وظیفهٔ اساسی ایجاد ساختار زبانی به‌عنوان هستهٔ معنایی کلام را بر عهده دارد و دیگری گیرنده‌ای است که برای دریافت معانی باید ساختار زبانی را به چالش بکشد و معانی ظاهری و باطنی آن را به دست آورد.

براساس گفته‌های یاکوبسون، هر سخن برای ایجاد یک ارتباط نیازمند چند عنصر مؤثر است و درعین حال، ایجاد ارتباط، تنها یکی از کاربردهای فراوان زبان است. باید دانست ایجاد ارتباط راهکاری برای انتقال پیام و فهمیدن آن توسط دیگران است. بر

1. Verbal Irony
2. Situational Irony
3. Conceptual Irony

همین اساس، پل ریکور (۲۰۰۱، ص ۱۱۱) معتقد است فهمیدن پیام به معنای سازگاری با قصد درونی نویسنده است. الیزابت بلک (۲۰۰٦، ص ۱۷) معتقد است در فرایند تولید یک اثر سه گونه عملکرد وجود دارد که اولین آنها وضعیت ساختاری یا تولید اثر در بهترین وضعیت خود، دومین حالت کارکرد فریبکارانهٔ متن یا همان معنایی است که نویسنده قصد دارد آن را برساند و سومین حالت، بازتاب متن یا همان تأثیری است که کلمات و سمبل‌ها بر گیرنده خواهند گذاشت؛ بنابراین، می توان کارکردهای عاطفی، ارجاعی و هنری را به حالت فریبکارانهٔ متن، کارکرد فرازبانی را به حالت ساختاری متن و کارکرد ترغیبی را به حالت بازتاب متن مرتبط دانست و کارکرد همدلی را رابطه ای میان ساختار و بازتاب برشمرد. به عبارتی دیگر، «میان کلام و ابلاغ آن فاصله ای وجود دارد که به‌واسطهٔ فهمیدن پر می‌شود» (فتغنشتین، ۱۹۸۹م، ص۲۱۲) و این همان کارکرد ترغیبی / بازتابی متن است که به‌وسیلهٔ گیرندهٔ پیام به اجرا درخواهد آمد.

همچنین، فهم آیرونی نیازمند ایجاد سخن بر بستر ارتباطی مستحکمی است که بر «نوع روابط و خاستگاه سخن، خواه به صورت نوشتار یا گفتار وابسته است» (black, 2006: 1). بیکرتون (بیکرتون، ۲۰۰۱م، ص٦۰) معتقد است یک ارتباط مناسب ابتدا نیازمند هوشیاری و تصویرگری در ذهن فرستنده است تا به‌واسطهٔ آن بتواند پیام را منتقل کند و همچنین، این رابطهٔ دوسویه نیازمند همان تصویرگری و بازخوانی مجدد زبان در ذهن گیرنده است؛ زیرا ممکن است برداشت‌هایی که از یک پیام به دست می‌آید، متفاوت باشد و این به دلیل آن است که گاهی «هدف فرستندهٔ پیام برای گیرندهٔ آن نامشخص است» (صلاح، ۲۰۰۵: ۳۲)؛ بنابراین، اگر به مضامین قرآنی نیک بنگریم گیرندگان پیام های آسمانی نیازمند نوعی تصویرگری و تجدید مفاهیم در ذهن خود هستند؛ زیرا اگر گیرنده در دریافت پیام ناتوان باشد، ارتباط میان آنها یا همان کارکرد همدلی ارتباط از بین خواهد رفت و فهم مفاهیم قرآنی ناقص خواهد بود.

کریس کول معتقد است در ساختار یک ارتباط نباید از آیرونی بهره گرفت؛ زیرا آیرونی، گیرنده را از راه درست و دریافت صحیح دور می کند (ر.ک: کول، ۲۰۱۰، ص۱۸۳). از دیدگاه او، آیرونی یک مأموریت فراپیام است یا یک پیام مخفی است که در پشت کارکرد هنری مخفی می شود. عزمی اسلام یک رویکرد ارتباطی را به شرطی موفق می‌داند که رمزگان و زبان به کاررفته میان فرستنده و گیرنده مشترک باشد و پیام، روشن و شفاف بیان شود (ر.ک: اسلام، ۱۴۰۵ق: ۱۲۹)؛ اما بسیاری از کارکردهای مربوط به پیام، نیازمند وجود آیرونی به دو گونه آیرونی کلامی و آیرونی دریافت است؛ زیرا فهم دقیق بسیاری از مضامین پیام ها در گرو دریافت آیرونیک آنهاست و اگر آیرونی دریافت نشود، نمی توان به‌دقت همهٔ مضامین موجود در پیام را دریافت.

همچنین، وارونه‌گویی و شفاف‌نبودن که به گمان بسیاری از متخصصان قائل به یک رویکرد ارتباطی است، می تواند برانگیزانندهٔ رویکرد ترغیبی در گیرنده باشد تا بداند هدف فرستنده از عدم شفافیت چیست؛ البته با این فرض که وجه قرابت آیرونی و ارتباط در این است که کسی باید باشد تا بتواند آیرونیک بودن کلام را درک کند و به مقاصد آن دست یابد؛ زیرا اگر آیرونی درک نشود، درحقیقت پیامی تبادل نشده و این موضوع فراتر از نقش مخاطب و قربانی آیرونی است. اسپربر و ویلسون (Sperber & Wilson, 2003: 298) معتقدند گوینده و شنونده براساس معلومات

خارجی و شناخت محیطی و فرضیات خود می توانند یکی از معانی ظاهری یا آیرونیک عبارت را برگزینند، بدون آنکه متوجه باشند کدام معنی را برگزیده‌اند.

هدف اساسی ایجاد ارتباط، تنها بیان یک عبارت نیست، بلکه بنا به گفتهٔ فان دایک «هدف از به کارگیری زبان، انجام یک اتفاق اجتماعی خاص است» (فان دایک، ۲۰۰۱م، ص۱۸)؛ بنابراین، در عبارات قرآنی هدف اساسی کلمات وحی، راهگشایی و تقویت کارکرد ترغیبی در گیرندهٔ پیام است. این موضوع نشان می دهد فرستندهٔ پیام، این اتفاق و هدف اجتماعی را از ابتدا در نظر داشته و سخن را برای انجام آن تدوین و ترکیب کرده است؛ زیرا «نیت فرستنده، اساس یک ارتباط کلامی و عامل اصلی به کارگیری زبان و تفسیر آن و به وجود آورندهٔ معانی و مفاهیم است» (الشهیری، ۲۰۰٤م، ص۱۸۳).

بنابراین، نمی توان قائل به تعارض آیرونی و مدل ارتباطی بود؛ زیرا آیرونی کسی را قربانی خواهد کرد تا دیگران از این موضوع مفهومی را دریافت کنند؛ بنابراین، به گمان نویسندگان آیرونی ابزاری برای ارتباط بهتر با گیرندگان پیام است یا درحقیقت آیرونی تکنیک ارتباطی پیشرفته‌ای در درون پیام است که به فرستنده کمک می‌کند تا بتواند پیام را به‌گونه‌ای شایسته‌تر ابلاغ کند.

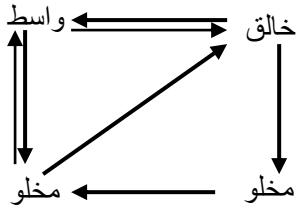

نمودار ۱: ارتباط در قرآن

٤- شیوه‌های ارتباطی در متن قرآن

قرآن کریم، رویکردی ارتباطی دارد که در آن ساختار کلامی با کاربست شیوه های متنوع زبانی و بهره گیری از تمام پتانسیل زبان، به بهترین وجه، مقصود را به گیرنده می رساند. بررسی مدل های ارتباطی در قرآن کریم به شناخت انواع مختلفی از ارتباطات منجر می شود که تنها منحصر به ارتباط کلامی خالق و مخلوق نبوده است؛ بلکه می توان با سایر ارتباطات کلامی موجود ازجمله ارتباط مخلوق به خالق، ارتباط مخلوق با مخلوق، ارتباط مخلوق به‌واسطه به خالق (نمودار ۱) اشاره داشت.

بلک اعتقاد دارد در «نظریهٔ ارتباط، گوینده، پیام را به‌گونه‌ای کدگذاری خواهد کرد که برای شنونده مناسب باشد» (black, 2006: 81)؛ بنابراین، کلیهٔ مفاهیم به‌کاررفته در آیات قرآن کریم لزوماً مخاطب‌گرا است و گیرنده با دقت و آشنایی به ساختارهای نحوی و بلاغی، توانایی فهم ظهر و بطن قرآن (ر.ک: کلانتری، ۱۳۸۲ش، صص۲۵۱-۲۵۳) را خواهد داشت؛ زیرا «هدف اساسی و غایی قرآن فهم مضامین آن و شناخت مقصود خداوند متعال است و اگر این شناخت و تعامل با آیات قرآن را اساس و هسته اصلی بدانیم، دست یابی به دانش فهم قرآن کلید این تعامل و شناخت است» (بوقرومه، ۲۰۰۹م، ص۲۷۹).

به دلیل تفاوت های موجود در ساختار موقعیتی خالق و مخلوق، برای انتقال یک پیام از سوی خداوند به‌سوی مخلوقات ناچار می‌باید بسیاری از مفاهیم قرآنی که مفهومی انتزاعی و مجرد دارند، به مفاهیم ملموس و فهم‌پذیر و ادراک توسط بشر تبدیل شوند؛ بنابراین، در بسیاری از کارکردهای فرازبانی و هنری قرآن کریم به فراوانی به ساختارهایی دست می یابیم که

مفاهیم انتزاعی موجود در آیات قرآن را برای بشر ملموس می‌کنند و از این دست کارکردهای ارتباطی در راستای کارکرد ارجاعی و ترغیبی و در درجه اول کارکرد عاطفی یا ادبی بهره‌برداری می‌شود.

۵- ساختار مفهومی سورهٔ زمر

سورهٔ زمر پیوستگی مفهومی زیبایی را به نمایش می گذارد. عبادت، مفهوم عام موجود در این سوره است که شبکهٔ مفهومی گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد. هر یک از مفاهیم موجود در این شبکه دارای خوشهٔ مفهومی دیگری است که با این ساختار پیوستگی مفاهیم موجود بیشتر آشکار می‌شود.

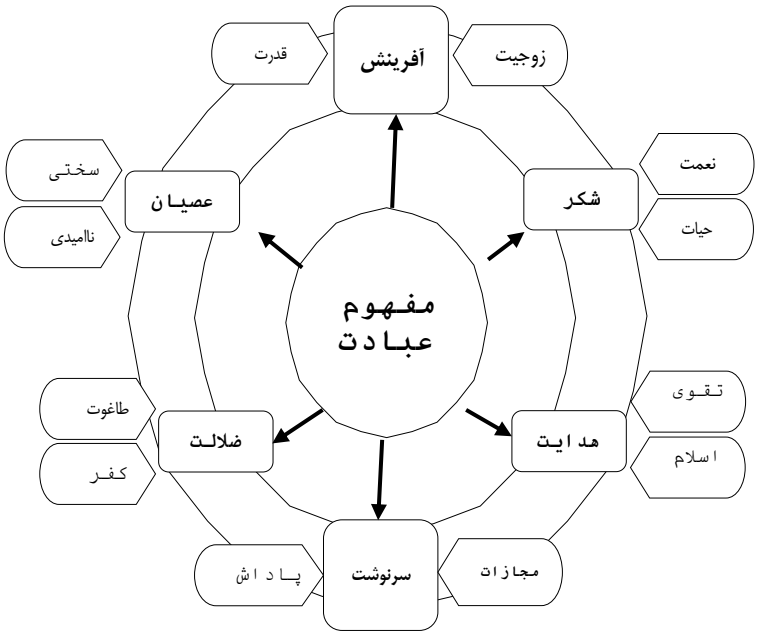

نمودار ۲ : ساختار مفهومی سوره

پیوستگی و ارتباط میان لایه های مختلف مفهومی با ساختارهای کلامی متعددی به نمایش درآمده است. خداوند با به‌کارگیری کارکردهای مختلف ارتباطی، گیرنده را در معرض دریافت بهتر مفاهیم قرآنی قرار می‌دهد. در این میان، آیرونی یکی از نمادهای پرکاربرد زبانی است که می تواند اغراض نهفتهٔ کلام را برای گیرندهٔ مستعد و فهیم آشکار سازد. این تکنیک توانسته است با جلوه های آیرونیک کلامی و مفهومی و حتی موقعیتی، نشانه‌های بارزی از قدرت ارتباط را بروز می‌دهد. برای دریافت معنایی درونی و ارتباط مفاهیم محوری این سوره، آیاتی انتخاب شده‌اند که تکنیک آیرونی در آنها ظهور و بروز بیشتری داشته است؛ از این روی، در فرایند دریافت مفاهیم موجود در سورهٔ زمر، به آن دست از آیات استناد شده است که بار مفهومی مرتبط با مفاهیم محوری موجود را بیشتر بنمایانند و علاوه بر آن، در ساختار کلامی خود آیرونیک باشند.

٤-١- مفهوم «آفرینش»

در این سوره، مفهوم آفرینش به مفهوم عام موجود

وابستگی تام دارد؛ زیرا آفرینش به‌عنوان مقدمه‌ای برای هدف اصلی بندگی مطرح شده است. بدین سبب، وابستگی این مفهوم با مفهوم عام سوره پررنگ تر و قوی‌تر از سایر مفاهیم است. مفهوم آفرینش خوشهٔ مفهومی دیگری را ایجاد کرده که دربردارندهٔ مفاهیمی همچون نعمت، عذاب، هدایت، گمراهی و هستی است.

﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَداً لاَصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (زمر: ٤)

این آیه مفهوم آفرینش را به صورت آیرونیک، مطرح و به یکی از مفاهیم خوشهٔ آفرینش اشاره می‌کند که همانا اختیار همسر و فرزندان است. کارکردهای ارتباطی موجود در این آیه حکایت از وجود آیرونی مفهوم (دریافت) دارد؛ زیرا موضوع اختیار همسر و فرزند در این آیه کاملاً نفی شده است.

رمزگان شرطی به‌کاررفته در آیه و کارکرد ادبی آن نشان‌دهندهٔ نفی موضوع و عدم امکان آن است. در آیهٔ بالا خداوند فرستندهٔ پیام است و گیرندهٔ مستقیم پیام، مشرکان، سپس سایر مخلوقات هستند. تأکیدات کلامی به کاررفته در آیه همچون حرف شرط «لو» (ر.ک: ابن هشام، ۱۹۹۸م، ص۲۵٦-۲۵۷)، اسم فعل (سبحانه) و به کار بردن کلمه (الواحد) و استخدام فراوان (ال) تعریف به‌عنوان ابزارهای ادبی ارتباط، نشان می‌دهد محور اصلی پیام انکار زوجیت و نفی شرک به خداوند متعال است.

بافت پیام همان سیاقی است که با مقدمهٔ آیات پیشین و ذکر مفاهیم شکر و ناسپاسی، هدایت و ضلالت و درنهایت، مجازات و پاداش مطرح شده است. گیرندهٔ پیام نه تنها مفهوم وحدانیت را ادراک و زوجیت و تبنّی را نفی خواهد کرد، با یقین بیشتری به مفهوم اساسی عبادت پی می‌برد؛ زیرا با دریافت آیرونی موجود، در می‌یابد ستایش مخصوص خداوند یگانه است.

خطاب خداوند ازطریق الهام وحیانی، راه ارتباطی و کارکرد همدلی آیه است و بافت کلام برای راهنمایی فردی است که در شک و گمان نسبت به زوجیت خداوند قرار گرفته است. ابزارهای فرازبانی به کاررفته در این آیه در اشاره مستقیم خداوند بر خالقیت خود «لاَصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ» است؛ زیرا مفهوم آفرینش موجود در این آیه درنهایت به مفهوم عبادت متصل می‌شود؛ بنابراین، خداوند با علامتی که به بندگان اعلام می‌دارد، کارکرد عاطفی پیام را به بهترین صورت بروز می‌دهد تا درنهایت مخاطب متوجه شود خداوند او را آفریده و با تکیه بر این قدرت، شایستهٔ پرستش است.

گرچه نقش عاطفی آیه با وجود پیام‌های مبتنی بر صیغهٔ متکلم بیشتر به ذهن می‌رسد، ساختار آیرونیک آیه و لزوم ادراک مفهوم اصلی آن که همانا نفی شراکت و تبنی و زوجیت است، نقش ترغیبی معطوف به گیرنده را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. این مطلب گویای آن است که در این آیه گیرنده است که باید تمام هوش و فهم خود را به کار بگیرد تا برداشت صحیحی از محتوای آیه به دست آورد. مکارم شیرازی با اشاره به نقش ادبی آیه چنین می‌نویسد «به‌هرحال انتخاب تعبیر "لو" که معمولاً در موارد شرط‌های محال به کار می رود، اشاره به این است که این یک فرض محال است که خدا فرزندی برگزیند و به فرض محال که نیازی داشت، نیازی به آنچه آنها می‌گویند نداشت؛ بلکه مخلوقات برگزیده‌اش این منظور را تأمین می‌کردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱۹، ص۳۷۵).

این تفسیر گویای نقش ارجاعی و عاطفی آیه است؛ اما در تفسیر آیرونیک آن، باید به این حقیقت دست یافت که خداوند به تبنّی و زوجیت نیاز ندارد؛ بلکه او از این موضوع که کسی چنین تفکراتی داشته باشد نیز مبراست و انسان ها را از چنین تفکراتی برحذر می‌دارد.

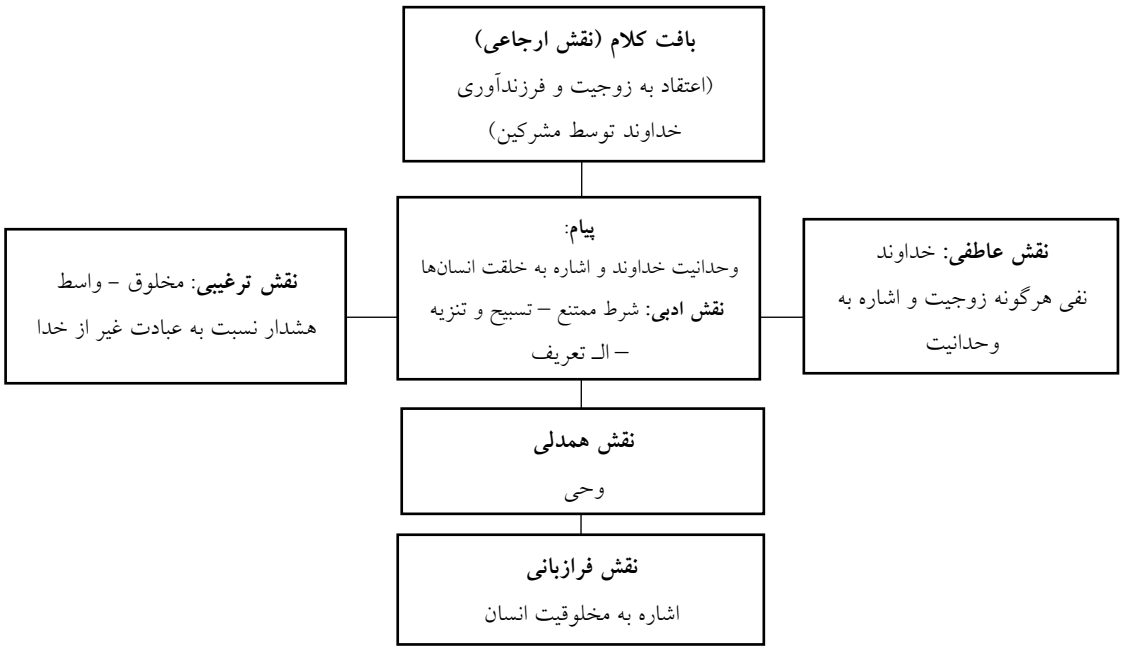

نمودار ۳: مدل ارتباطی مفهوم آفرینش

مفاهیم به‌کاررفته در این آیه عبارت‌اند از:

۱. وحدت

۲. قدرت

۳. خلقت

این مفاهیم درهم تنیده درنهایت ضمن اشاره به مفهوم اصلی خالقیت، همگی ذیل عنوان مفهوم بزرگ‌تری مرتبط می‌شوند که از آن به مفهوم پرستش یاد شده است.

٤-۲- مفهوم «شکر و عصیان»

بخشی از مفاهیم زیرشاخهٔ پرستش به مفاهیمی همچون شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و عدم کفرورزی و عصیان ارتباط دارد. در آیات ۷ و۸ دو مفهوم شکر و عصیان این چنین مطرح شده است: ﴿**إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لاَ يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۞ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَاداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ**﴾ (زمر: ۷-۸)

مفاهیم شکر و ناسپاسی، ارتباطی نزدیک و درهم‌تنیده با مفهوم عبادت دارند. نمادهای آیرونیک متعددی در این دو آیه وجود دارند که نقش ترغیبی را پررنگ‌تر نشان می‌دهند. این نمادهای آیرونیک توسط گیرندهٔ پیام باید به نحوی تفسیر شود که بافت ارجاعی

و موضوع کلی آیات دستخوش انحراف و دگرگونی نشود. نمادهای آیرونیک مفاهیم شکر و عصیان به شرح ذیل‌اند:

الف) إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لاَ يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ

ب) ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ

ج) قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً

در بخشی از آیهٔ (۷) موضوع کفر و عصیان مطرح شده است؛ اما به‌درستی واضح است که گیرنده آیات یا همان بندگان می باید از کفر و ناسپاسی پرهیز کنند؛ زیرا نقش ارجاعی (سیاق) موجود در این آیه بیان‌کنندهٔ آن است که خداوند برای بندگان خود مهرآفرینی می کند و هرگونه ناسپاسی را برای ایشان ناخوش می دارد؛ بنابراین، با تلفیق سه نقش عاطفی، ارجاعی و ترغیبی می‌توان عبارت «**إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ**» را به‌گونه‌ای آیرونیک تفسیر و تأویل کرد و به این مفهوم دست یافت که حرف شرط (إن) نشان می دهد فرستندهٔ پیام امیدوار به عدم کفر و ناسپاسی و امیدوار به شکرگزاری بندگان است؛ زیرا این حرف برای شرطی است که فرض تحقق و بر قلت دلالت دارد (ر.ک: ابن‌یعیش، ۲۰۰۱م، ج۵، ص۱۱۳).

وجه آیرونیک این مفاهیم در بخشی از آیهٔ هشتم، در آن است که خداوند بندگان را برای پرستش خود آفریده و به آنان نعمت ارزانی داشته است و بندگان باید به سبب بهره‌گیری از این نعمت‌ها شکرگزار او باشند؛ بنابراین، رفتار بندگان در فراموش‌کردن پروردگارشان به هنگام برخورداری از نعمت‌ها بیان‌کنندهٔ آیرونیک‌بودن این رفتار است؛ زیرا لازمهٔ نعمت و حیات سپاس‌گزاری از خالق آنهاست. این عبارت نیز بیشتر جهت دهی خود را به سمت گیرندهٔ پیام نشان می دهد و ضمن یادآوری نعمت ها در قالب مفاهیم بلاغی و تعریضی، از او می خواهد نسبت به نعمت های خداوند شکرگزار باشد؛ زیرا در غیر این صورت از کیفری مناسب بهره‌مند خواهد شد.

در آخرین بخش از نمادهای آیرونیک که حقیقت آیرونی مفهومی را نشان می دهد، خداوند نیز در پاسخ به این رفتار آیرونیک بندگان، آنها را به بهره گیری از این ناسپاسی و کفر امر می‌کند. ناگفته پیداست مفهوم این سخن پروردگار نهی از اعمال نابخردانه این افراد است؛ زیرا ﴿**وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ**﴾ (بقره: ۲۰۷) بوده و این گفتار تعریضی است تا بندگان بدانند نباید کفر بورزند و خداوند را درهرحال شکرگزار باشند.

این پیام دربردارندهٔ دو نماد آیرونی از نوع کلامی و مفهومی است که در وجه آیرونی کلامی، نقش غالب نقش ارجاعی و فرازبانی است که به تفسیر کیفر اعمال پرداخته است و موضوع کفر و ناسپاسی را مطرح می کند؛ اما در نماد آیرونی مفهومی که مخاطب شخصی جز بندگان عصیانگر است (مخاطب خواننده پیام است)، نقش ترغیبی روشن‌تر و واضح‌تر است؛ زیرا این امر درحقیقت نهی از کفرورزی و عصیانگری است و این مهم توسط گیرندهٔ پیام محقق خواهد شد.

خداوند در آیهٔ پیشین، بی نیازی خود را نسبت به شکر یا ناسپاسی بندگان اعلام داشته و تقدیم و تأخیر صورت‌گرفته در بیان مفاهیم و نتیجهٔ اعمال، بیان‌کنندهٔ آن است که خداوند ابتدا خود را بی نیاز از هرگونه اعمال و رفتار بندگان معرفی می‌کند و سپس به شرح رفتار ایشان می‌پردازد.

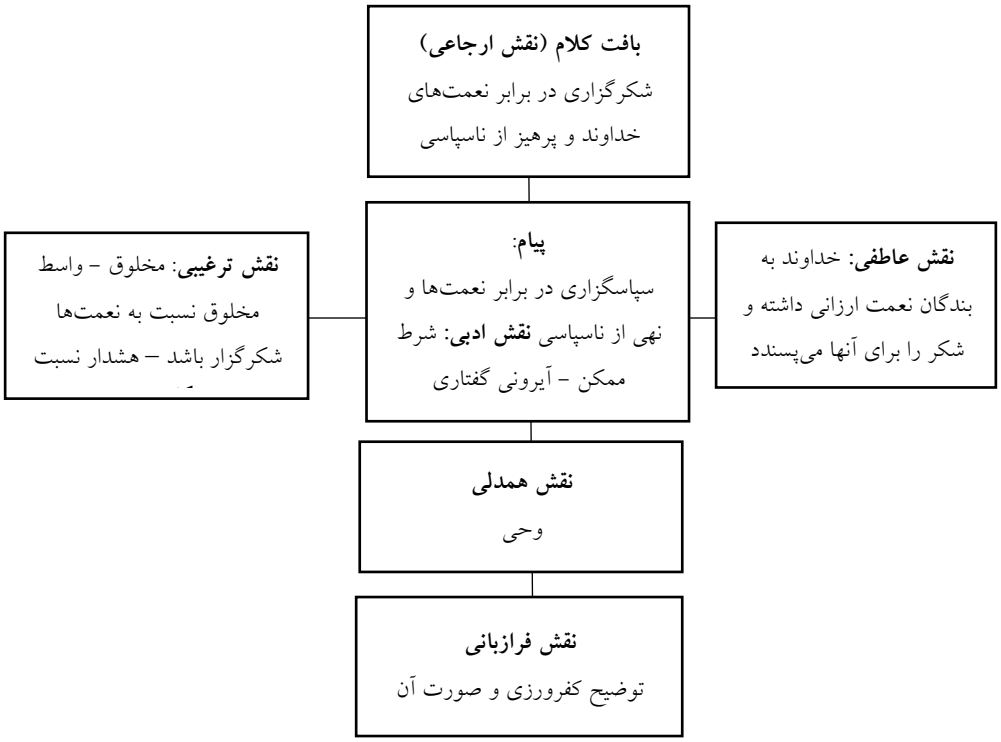

نمودار ٤ : مدل ارتباطی مفهوم شکر و عصیان

ساختار به کاررفته در این دو آیه که به مفاهیم شکر و عصیان ارتباط دارد، براساس مدل ارتباطی یاکوبسون، نشان‌دهندهٔ بروز وجه آیرونیک مفهومی است؛ زیرا در بسیاری از عبارات، هدف اساسی فهم و دریافت مفهومی مخالف و متفاوت نسبت به آنچه بیان شده، است. ساختار شرطی به کاررفته در آیهٔ فوق که دلالت بر احتمال شکر و ناسپاسی دارد و سپس عبارت «هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد» و «آن را (شکر) برای شما می پسندد» نشان‌دهندهٔ آن است که فرستندهٔ آیه از هرگونه کفر و ناسپاسی، نهی و برحذر داشته است و انسان را به شکر و اطاعت ترغیب می کند. گیرندهٔ این آیات در مقام عبودیت و بندگی ملزم به رعایت اصول پرستش شده است؛ زیرا هیچ گناهکاری گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد.

در این آیه خداوند با فعال‌کردن نقش عاطفی خود در پی فعال ترکردن نقش ترغیبی گیرندهٔ پیام است و از تمام ابزارهای ارتباطی ازجمله بافت ارجاعی و نقش ادبی و همدلی برای این منظور بهره‌برداری کرده است. نقش عاطفی خداوند در عدم پذیرش بدی‌ها و ناسپاسی برای بندگان و پذیرش مراتب سپاس ایشان، عاملی برای ترغیب مخاطب و گرایش وی به شکر و سپاسگزاری است. در آیهٔ ۸ نیز خداوند با تفسیر اینکه ناسپاسی چه نتیجه ای در بر خواهد داشت، نقش ارجاعی کلام را به کار می برد و توضیح کاملی دربارهٔ این موضوع ارائه می‌کند.

٤-۳- مفهوم «هدایت و ضلالت»

در جای جای این سوره آیات مختلفی دربارهٔ مفاهیم هدایت و گمراهی ذکر شده است. گرچه این مفهوم به‌نوعی وابسته به مفهوم آفرینش است، سرشاخهٔ یک شبکهٔ مفهومی دیگر است که مفاهیم تقوی، طاغوت، قول حسن، اسلام و کتاب را به عنوان

خوشه های مفهومی در بر دارد. دقت در این شبکهٔ گستردهٔ مفهومی، برخی از آیات را با ساختار آیرونیک به ما معرفی می کند تا در قالب مدل ارتباطی تحلیل شوند.

﴿أَلاَ لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لاَ يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ (زمر: ۳)

اشارهٔ آیه به آن است که تنها موجود پرستیدنی خداوند متعال است و غیر او به هر بهانه ای پرستیدنی نیست. در آیهٔ فوق، عبارت «أَلاَ لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ» نشان می دهد اعمال کسانی که برای خداوند واسطه و شریک قائل شده اند، مردود است و بهانهٔ ایشان برای پرستش غیر خدا پذیرفتنی نیست؛ زیرا مفهوم اصلی این آیه، تلفیقی از مرز میان هدایت و ضلالت است و نسبت اینکه دیگران بت ها را به جای خداوند بپرستند، درحقیقت دروغی بیش نیست و خداوند ایشان را به فرجام نیکو نخواهد رساند. آیرونی نهفته در این آیه نشان می دهد در نگاه مشرکین عبادت بت ها وسیله ای برای تقرب به خداوند است؛ حال آنکه این تصور و مفهوم پرستش در نگاه گیرندهٔ پیام نکوهیده و ناپسند است و پذیرفتنی نخواهد بود. این پدیده را محمد العبد آیرونی تصور یا مفهوم، نام گذاری کرده است (ر.ک: العبد، ۱۹۹٤م، ص ١٦٥-١٧٦).

ازجمله نکات درخور ذکر، ارتباط این آیه به موضوع اصلی سوره (عبادت) است. تأکیدات موجود در این آیه که به مفهوم پرستش نیز مرتبط است، نشان‌دهندهٔ آن است که مشرکین در پرستش دچار گمراهی شده‌اند و «قائل‌اند غیر از خدا اربابی دگرند که امور عالم را تدبیر می‌کنند و ربوبیت و تدبیر منسوب به ایشان است نه منسوب به خدای تعالی. پس در نظر وثنیت این ارباب مدبر امورند؛ نتیجه اش هم این است که پس باید در مقابل همین ارباب خاضع شد و آنها را عبادت کرد تا ما را از منافعی برخوردار و بلاها و ضررها را دفع کنند» (طباطبایی، ١٣٧٤ش، ج١٧، ص٣٥٦)؛ ازاین روی کارکرد همدلی این آیه، آن است که به گمان مشرکین، بت ها راهی برای ایجاد ارتباط با خدای متعال و خالق هستی اند که این نکته در انتهای آیه مردود اعلام شده است.

استفاده از حرف تخصیص و تنبیه «ألا» و همچنین، حذف برخی اجزای جمله، نشان از وجود آیرونی مفهومی در عبارت «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» دارد. به عبارت دیگر، این بهانه اگرچه از نظر مشرکین، بهانه‌ای پذیرفتنی است، گیرنده، آن را به معنای نفی پرستش خداوند فرض می کند یا آن را دروغ می پندارد؛ بنابراین، تلقی مخاطب با پندار متکلم در تضاد آشکاری است که القاکنندهٔ آیرونی مفهومی است.

بافت و نقش ارجاعی این پیام حکایت از آن دارد که فقط خداوند بزرگ قابلیت پرستش دارد؛ بنابراین، هرگونه بهانه ای در پرستش دیگر موجودات نه تنها پذیرفته نیست، گمراهی آشکار است. در این سیاق گرچه منکران به‌ظاهر پرستش خداوند را نفی نمی‌کنند، دلیل آنان برای پرستش بت‌ها نشان از شرک آنان دارد.

نمودار ٥: مدل ارتباطی مفهوم هدایت و ضلالت

٤-٤- مفهوم سرنوشت «پاداش و مجازات»

این دو مفهوم نتیجهٔ عملکرد مخلوق در مفاهیم پیشین است که همگی به مفهوم عام سوره وابسته‌اند. در بخشی از این آیات، خداوند با طرح مسئلهٔ پرستش و ازطریق نقل‌قول خاص به عام (نبی به مشرکین) ضمن طرح مفهوم عبادت، به دو مفهوم پاداش و مجازات نیز اشاره می‌کند.

﴿قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي ۞ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلاَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۞ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ﴾ (زمر: ١٤-١٦)

این دو مفهوم از ابتدای آیهٔ ١٠ آغاز و تا آیهٔ ١٦ ادامه می یابد. در این آیات، پیامبر(ص) نقش همدلی را مطرح می‌کند که مورد خطاب مستقیم خداوند قرار گرفته است؛ اما با اندکی تأمل در یافته می‌شود که مخاطب حقیقی علاوه بر شخص پیامبر(ص)، مشرکین نیز هستند و به عبارت دیگر، مخاطب این آیات همهٔ بشریت است. مفاهیم آیرونیک موجود در این آیات پربسامد و بی‌شمارند؛ از آن جمله، عبارت تعریضی «اعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ» است.

علامه طباطبایی دراین باره می گوید: «گویا فرموده، شما هرچه را بپرستید، بالأخره سرمایهٔ نفس را از دست داده‌اید. به دلیل اینکه آن را با به کفر کشاندن به هلاکت رساندید و همچنین، اهل و خویشاوندان خود را هلاک کردید؛ چون شما آنان را وادار به کفر و شرک کردید و این کفر و شرک همان خسران حقیقی است» (طباطبایی، ١٣٧٤ش، ج١٧، ص٣٧٨).

براساس نظریهٔ یاکوبسون و بررسی آیرونیک

مفاهیم موجود، این آیات دارای نقش ترغیبی بیشتری نسبت به سایر نقش‌های ارتباطی‌اند. گرچه رویکرد ادبی آیات بر مبنای امر یا نهی یا ندا نیست، کارکرد آیرونیک مفاهیم و برداشتی که مخاطب از ساختار کلامی به‌کاررفته در استفهام انکاری دارد، به‌درستی نشان می‌دهد هدف اساسی این وجه ارتباطی، بازداشتن و توجه‌دادن گیرندهٔ پیام و ترغیب او به دست کشیدن از تکذیب و روی آوردنش به صداقت و باورداشتن روز مجازات و عقوبت است. این سخن نقش عاطفی خداوند را در توجه او به تصدیق کنندگان قیامت بیان می کند و با توجه به بافت ارجاعی موجود، به یکی از ویژگی‌های پرهیزگاران، یعنی همان باور روز قیامت، اشاره می‌کند.

همان‌گونه که اشاره شد ارتباط میان خالق به مخلوق ازطریق واسط (پیامبر) برقرار می‌شود که در این آیات نقش همدلی را دارد؛ زیرا در این آیات، خداوند پیامبر را ترغیب می کند تا پیام عبودیت و پرستش را به دیگران برساند و نیز مخاطب غیرمستقیم این آیات تمام بندگان‌اند که خداوند ازطریق خطاب «یَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ» این موضوع را بیان کرده است. در این آیات، خسران و حسنه به عنوان دو مفهوم اساسی، ذیل مفاهیم پاداش و مجازات توصیف شده است تا نقش فرازبانی این آیات نیز به درستی برای خواننده و گیرندهٔ پیام مشخص شود.

یکی از نکات حائز اهمیت برای گیرنده، اشاره به این نکته است که خداوند همهٔ انسان های نیکوکار و بدکار را به واژه عام (عباد) خطاب فرموده است؛ این خطاب نشان‌دهندهٔ قدرت عاطفی فرستندهٔ پیام نسبت به گیرندگان و ترغیب آنان به این است تا به سرانجامی نیکو بیاندیشند و خود را از خسران مبین برحذر دارند.

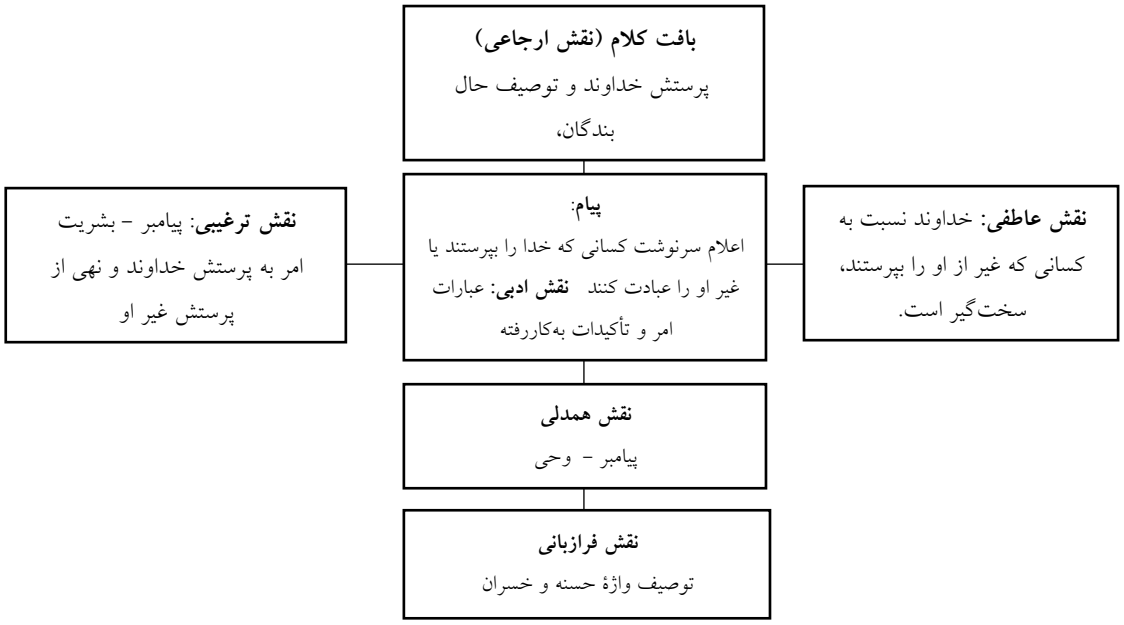

نمودار ٦: مدل ارتباطی مفهوم سرنوشت

در این آیات، مفهوم مجازات به صورت آیرونیک مطرح شده است. محمد العبد به واژه (ظلّ) با دیدی آیرونی نگریسته و آن را از اقسام آیرونی کلامی برشمرده است (ر.ک: العبد، ١٩٩٤م، ص ٨٧– ٨٩)؛ زیرا (ظلّ) دارای مفهومی پر از راحتی و آرامش و آسایش است؛ حال آنکه سرنوشت دوزخیان جز این است. پس درحقیقت اشاره به سایبانی که آتش از زیروروی آن می بارد، سخره گرفتن کسانی است که غیر از خدا را پرستیده اند؛ درنتیجه، مشرکان، قربانیان این آیرونی کلامی‌اند؛ بنابراین، هدف اساسی و ترغیبی این آیات، امر به پرستش خداوند و نهی از عبادت غیر است و آیرونی به‌کاررفته در (فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ) و (ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ) برای ترغیب مخاطب به پرستش خداوند است.

پس از بررسی کارکردهای متعدد نقش‌های ارتباطی و بررسی مفاهیم موجود و کاربردهای آیرونیک در آیات این سوره، فراوانی کاربست نقش‌های ارتباطی و تعدد مفاهیم طبق جداول ذیل به دست آمده است.

جدول ١: فراوانی نقش‌های شش‌گانه در آیات سورهٔ زمر(براساس محتوای آیات و کاربردهای ادبی آنها)

نقش‌ها	(فرستنده)نقش عاطفی	(گیرنده)نقش ترغیبی	(بافت پیام)نقش ارجاعی	(کانال ارتباط) نقش همدلی	(پیام) نقش ادبی	(رمزگان) نقش فرازبانی
فراوانی	٣٢	٣٨	٤٥	٢٦	٢٥	١٦

بیشترین فراوانی نقش‌های شش‌گانه مربوط به نقش ترغیبی است؛ ازآن نظر که تمامی پیام‌های موجود متوجه مخلوقات و گیرندهٔ پیام است و وظیفهٔ اصلی دریافت مفاهیم به عهده اوست؛ گرچه نباید از تداخلات کلامی فرستنده و نقش ارجاعی پیام نیز غافل ماند.

در مدل ارتباطی و رابطهٔ آن با آیرونی، نقش‌های عاطفی و ترغیبی، بیشترین تأثیر را در دریافت آیرونی دارند. همچنین، در دریافت مفهوم آیرونیک برخی آیات کانال ارتباطی و موضوع پیام و همچنین، نقش ادبی و ساختاری پیام تأثیر بیشتری در نوع دریافت گیرنده دارند.

جدول ٢:فراوانی آیات مرتبط با مفاهیم سوره (براساس محتوای کلی آیات)

مفهوم آفرینش	مفهوم شکر	مفهوم پاداش	مفهوم مجازات	مفهوم عصیان
١١	٥	١٠	١٤	٤
مفهوم نیستی	مفهوم هدایت*	مفهوم گمراهی	سایر مفاهیم مرتبط	**مفهوم عبادت**
٤	٢٣		**	**١١**

تمامی مفاهیم موجود در سورهٔ زمر به مفهوم اساسی آفرینش ارتباط مستقیم دارد یا به عبارتی، همه این مفاهیم مقدماتی برای بیان یک مفهوم اصلی، یعنی همان پرستش خداوند است؛ بنابراین، به کارگیری ابزارهای ارتباطی متعدد و استفاده از نقش های مختلف در کاربرد زبان یک پیام ویژه دارد که پرستش و بندگی خداوند متعال است.

٤. نتیجه گیری

مفاهیم موجود در سورهٔ زمر مقدمه ای برای بیان یک مفهوم اصلی، یعنی همان پرستش خداوند است. هم راستایی مفاهیم متضاد در آیات این سوره با هدف تشویق مخاطب به یادگیری بایدها و نبایدها و اصول درست پرستش و با کارکرد نفی و اثبات صورت

گرفته است؛ بنابراین، بـه کـارگیری ابزارهـای ارتبـاطی متعدد و استفاده از نقش‌های مختلف در کـاربرد زبـان، یک پیام ویژه دارد که همانا هدایت مخاطب بـه سـوی مفاهیم درست و بازداشـتن او از مفـاهیم ناصـواب در مسیر پرستش و بندگی خداوند متعال است.

مفاهیم متضاد که در خوشهٔ مفهومی آفـرینش بیـان شده‌اند، در قالب تکنیک آیرونی موجود، نه تنها مـانعی برای ارتباط میـان فرسـتنده و گیرنـده نیسـت، ابـزاری مناسب برای دریافت بهتر مفاهیم نیز به شمار مـی‌آیـد؛ بنـابراین، گیرنـده بـا تفکـر و دقـت بیشـتری در پـی دست‌یابی به مفهوم اصلی موجود در آیـاتی اسـت کـه به‌صورت آیرونیک به‌کاررفته است.

در مدل ارتباطی و رابطهٔ آن با آیرونـی، نقـش‌هـای عاطفی و ترغیبی، بیشترین تأثیر را در دریافت آیرونـی دارند؛ زیرا آیرونی بیم و امید، در مفـاهیم ایـن سـوره، نشان‌دهندهٔ ظهور نقش ترغیبی امیدبخشی و بیـان آثـار رحمت الهی است که در مفـاهیمی همچـون هـدایت، شکر، عبادت و سایر مفاهیم موجود بیان شده است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن هشام الانصاری، جمال الدین. (۱۹۹۸م). *مغنـی اللبیب*. تحقیق مازن المبارک و محمـد علـی حمـدالله. بیروت: دار الفکر.

ابن‌یعیش. (۲۰۰۱م). *شـرح المفصـل*. تقـدیم امیـل بدیع یعقوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.

اسـلام، عزمـی. (۱٤۰۵ق). *مفهـوم المعنـی دراسـه تحلیلـه*. حولیـات کلیـه الآداب. الرسـاله ۳۱. جامعـه الکویت.

اسـماعیل، صـلاح. (۲۰۰۵م). *نظریـه المعنـی فـی فلسفه بول غرایس*. القاهره: الدار المصریه السعودیه.

انـیس، ابـراهیم. (۱۹۸٤م). *دلالـه الالفـاظ*. ط ۵. القاهره: مکتبه الانجلو المصریه.

اوسـتین، (۱۹۹۱م). *نظریـه افعـال الکـلام العامـه*. ترجمهٔ عبدالقادر قنینی. بیروت: افریقیا الشرق.

بوقرومه، حکیمه. (۲۰۰۹م). تشکیل القارئ الضمنی فی النص القرآنی. مجلـه الخطـاب. المغـرب. عـدد ۵، ۲۸۹-۲۷٦.

بیکرتون، دیریک. (۲۰۰۱م). *اللغه وسلوک الانسـان*. ترجمهٔ محمد زیاد کبه. الریاض: جامعه الملک سعود.

تشیتشـرین، ف. (۱۹٦٤م). *الافکـار والأسـلوب*. ترجمهٔ حیاه شراره. بغداد: دار الشؤون الثقافیه العامه.

ریکـور، بـول. (۲۰۰۱م). *مـن الـنص إلـی الفعـل*. القاهره: المرکز الفرنسی للثقافه.

الشـهیری، عبـدالهادی بـن ظـافر. (۲۰۰٤م). *استراتیجیات الخطاب مقاربه لغویه تداولیه*. بیروت: دار الکتاب الجدید المتحده.

العبد، محمد. (۱۹۹٤م). *المفارقه القرآنیـه*. بیـروت: دار الفکر العربی.

عنـدلیب، علـی و سـید حیـدر فـرع شـیرازی. (۱۳۹۸ش). صراع المفارقـة بـین السـخریة والمناقضـة. *بحوث فی اللغة العربیة*، ۲۰، ۱۲۱-۱۳٤.

عندلیب، علی. (۱۳۹۹ش)، *المفارقة المفهومیـة فـی البلاغة مع نماذج من القرآن الکریم*. أطروحـه دکتـوراه. جامعه خلیج فارس.

فان دایک، تـون آ. (۲۰۰۱م). *علـم الـنفس مـدخل متداخل الاختصاصات*. ترجمهٔ سـعید حسـن بحیـری. القاهره: دار الکتاب.

فتجنشـتین، لودفیـغ. (۱۹۸۹م). *بحـوث فلسـفیه*. ترجمهٔ عزمی اسلام. الکویت: جامعه الکویت.

کلانتری، ابـراهیم. (۱۳۸۲ش). ظهـر و بطـن قـرآن کریم. *فصلنامهٔ قبسات*، ۱۰ (۲۹)، ۲٤۹–۲٦٦.

کول، کریس. (۲۰۱۰م). *التواصل بوضوح وشـفافیه*. المملکه العربیه السعودیه: مکتبه جریر.

ناصـــف، مصـــطفی. (۱۹۹۵م). *اللغـــه والتفســـیر والتواصل*. مجلـه عـالم المعرفـه، عـدد ۱۹۳. الکویـت: المرکز الوطنی للثقافه.

آقابابـایی، سـمیه و کـوروش صـفوی. (۱۳۹۵ش). بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبـان شناسـی بـا تکیه بر نظریهٔ نقش‌های زبانی یاکوبسون. *متن‌پژوهـی ادبی*، ۲۰ (٦۹)، ۷–۳٤.

آقازینالی، زهـرا و حسـین آقاحسـینی. (۱۳۸۷ش). مقایسهٔ تحلیلی کنایـه و آیرونـی در ادبیـات فارسـی و انگلیسی. *فصلنامهٔ کاوش‌نامه*، ۹ (۱۷)، ۹۵ – ۱۲۷.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷٤ش). *ترجمه تفسـیر المیزان*. چاپ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عباسیان چالشتری، محمـدعلی. (۱۳۸٤ش). نظریـهٔ افعـال گفتـاری و برخـی پیامـدهای مهـم آن. *مقـالات بررسی‌ها*، ۳۸ (۷۷)، ۱٦۹–۲۰۰.

مکارم شیرازی، ناصـر. (۱۳۷۱ش). *تفسـیر نمونـه*. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

میویـــک، داگـــلاس کـــالین. (۱۳۸۹ش). *آیرونـــی*. ترجمهٔ حسن افشار. تهران: نشر مرکز.

Black, Elizabeth.(2006). *Pragmatic stylistic*. Edinburgh university press.

Sperber.D, Wilson. D. (2003)**.** *Irony and the use-mention description*. radical pragmatics: London.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Hisham Al-Ansari, Jamaluddin. (1998). *Mughni al-Labib*. Invastigated by Mazin Al-Mubarak and Muhammad Ali Hamdallah. Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn ya'ish. (2001). *Sharh Al-Mufassal*. Introduced by Emile Badie Yaqub. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyeh.

Islam, 'Azmi. (1984). The concept of meaning; an analytical study. Annals of Faculty of Literature. *Al-Risalah 31*. Kuwait University.

Isma'il, Salah. (2005). *The theory of meaning in the philosophy of Paul Grice*. Cairo: Al-Dar Al-misriyah Al-sa'udiyah.

Anis, Ibrahim. (1984). *Dilalah Al-Alfaz. Ta' ha'*. Cairo: Maktabah Al-Anjlo Al-Misriyah.

Austin, (1991). *Theory of speech acts.* Translated by Abdul Qadir Qenini. Beirut: East Africa.

Buqerumah, Hakimah. (2009). Tashkil Al-Qari' Al-Dimnii fi Al-Nass Al-Qurani. *Journal of Al-Khitab*. Morocco. No. 5, 289-276.

Bickerton, Derek. (2001). *Language and Human Behavior*. Translated by Mohammad Ziad Kabeh. Riyadh: King Saud University

Chicherin, F. (1964). *Ideas and style*. Translated by Hayah Shararah. Baghdad: Public Culture Center.

Ricœur, Paul. (2001). *From Text to Action*. Cairo: French Center for Culture.

Al-Shahiri, Abdul Hadi bin Zafer (2004). *Discourse strategies: a pragmatic linguistic approach*. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Jadid Al-Muttahida.

Al-Abd, Muhammad. (1994). *Al-Mufaraghah Al-Qurania.* Beirut: Dar Al-Fikr Al-Arabi.

Andalib, Ali and Seyed Haidar Far' Shirazi. (2019). Sira' Al-Mufaraqah

(2005). Theory of Speech Acts and some of its important consequences. *Review Articles*, 38 (77), 169-200.

Makarem Shirazi, Naser (1992). *Tafsir Nemooneh*. Tenth edition. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyeh.

Muecke, Douglas Colin. (2010). *Irony*. Translated by Hassan Afshar. Tehran: Markaz Press.

Black, Elizabeth (2006). *Pragmatic stylistic*. Edinburgh university press.

Sperber.D, Wilson. D. (2003). *Irony and the use-mention description*. radical pragmatics: London.

Bayn Al-Sukhriah wa Al-Munaqadah. *Researches in the Arabic language*, 20, 121-134.

Andalib, Ali (2020), *The conceptual differneces in rhetoric with examples from the Holy Qur'an*. Doctoral thesis. Persian Gulf University.

Van Dijk, Ton A. (2001). *'Ilm Al-Nass; Madkhal Mutadakhil Al-Ikhtisasat.* Translated by Saeed Hasan Bahiri. Cairo: Dar al-Kitab.

Wittgenstein, Ludwig. (1989). *Philosophical Investigations*. Translated by 'Azmi Islam. Kuwait: Kuwait University.

Kalantari, Ibrahim. (2003). Zahr wa Batn Quran. *Quarterly Journal of Qabsat*, 10 (29), 249-266.

Cole, Chris. (2010*). Al-Tawasul bi Wudooh wa Shaffafiia.* Saudi Arabia: Maktaba Al-Jarir.

Nasef, Mustafa. (1995). Language and interpretation and communication. *Journal of the World of Knowledge*, No. 193. Kuwait: The National Center for Culture.

Aghababai, Somayeh and Kourosh Safavi. (2016). Investigating the structure of lyrical literature from a linguistic point of view based on Jacobson's theory of linguistic roles. *Literary Text Research*, 20 (69), 7-34.

Aghazinali, Zahra and Hossein Aghahosseini. (2008). Analytical comparison of irony in Persian and English literature. *Quarterly Journal of Kacosh nameh* , 9 (17), 95-127.

Tabatabai, Mohammad Hussein (1995). *Translation of Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an.* Edition 5. Qom: Islamic Publications Office.

Abbasian Chaleshtori, Mohammad Ali.

* مفاهیم هدایت و گمراهی دو مفهوم متناقض‌اند که به‌صورت قرینه در آیات به کار رفته‌اند؛ بدین سبب فراوانی مفهومی این دو یکسان است.